

جهانی شدن آموزش عالی در هزاره سوم: مؤلفه‌ها و ابعاد

حسن خداوردی*

چکیده

جهانی شدن یکی از مهم‌ترین مقولات بشری در دهه‌های پایانی قرن بیستم و دهه آغازین هزاره سوم است که زندگی بشر را در عرصه‌های مختلف تحت تأثیر قرار داده و در این میان نقش آموزش عالی انکارناپذیر است. امروزه بدون شک می‌توان گفت جهانی شدن مسیر آموزش عالی را در بیشتر کشورهای جهان متحول کرده است؛ اما اینکه این تحول به چه صورتی بوده و چه الزاماتی برای دانشگاه‌ها، دولت‌ها و جوامع ایجاد کرده است، موضوعی است که درباره آن اختلاف نظر وجود دارد. پرسش اساسی پژوهش حاضر این است که ابعاد، مؤلفه‌ها و نمودهای جهانی شدن در عرصه آموزش عالی چه بوده است و فرایند جهانی شدن چه تأثیری بر آموزش عالی ایران خواهد گذاشت؟ برای پاسخ به پرسش اصلی این فرضیه می‌توان گفت که «ابعاد

* عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان (ha_khodaverdi@yahoo.com).

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱/۳۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۱.

سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی جهانی شدن در عرصه آموزش عالی باعث تقویت خصوصی سازی و تجاری شدن آموزش عالی، کاهش نقش دولت، و افزایش واهمگرایی فرهنگی شده است؛ اما واقعیت انکارناپذیر این است که دیدگاه واحدی در این خصوص وجود ندارد و هر مکتب و نظریه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر اساس دیدگاه های خود راهی نشان می دهد. نظام آموزش عالی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست.

واژه های کلیدی: آموزش عالی، جهانی شدن، بین المللی شدن، دانشگاه، هزاره سوم، آموزش عالی ایران.



مقدمه

جهانی شدن تا حدودی پدیده‌ای نوظهور است که در ادبیات معاصر جهان جایگاهی ویژه یافته و اندیشه‌ها و نظرهای بسیاری را به خود معطوف کرده است. جهانی شدن به مجموعه‌ای از دگرگونی‌ها اطلاق می‌شود که نه تنها عرصه‌های سیاست و اقتصاد، بلکه علم، فرهنگ و شیوه زندگی را نیز دگرگون می‌کند؛ زنجیره‌ای از دگرگونی‌ها که عرصه‌های گوناگون فرهنگ، سیاست و اقتصاد کشورهای جهان را دربر گرفته است و روابط متنوع و متقابلی میان واحدهای مستقل علمی برقرار می‌کند. مطالعات، پیش‌بینی‌ها، دیدگاه‌ها و نظریه‌های گوناگونی درباره تأثیرها و پیامدهای جهانی شدن در ابعاد مختلف در کشورهای پیشرفته، در حال توسعه و توسعه نیافته ارائه شده است؛ اما بررسی نتایج و آثار جهانی شدن در حوزه آموزش عالی و دانشگاه‌ها بحث جدیدی است که به تازگی وارد عرصه مطالعات علمی و دانشگاهی شده است. در این باره می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد.

۱. برتون و لامبرت (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان **جهانی شدن و دانشگاه‌ها: سپهر نو و کنشگران نوین**، تأثیر جهانی شدن بر آموزش عالی را بررسی کرده‌اند. بخش اول این تحقیق به طرح نظرهای مؤسسه‌های بین‌المللی اختصاص یافته است. بخش دوم به بررسی وضعیت جهانی پرداخته است که دانشگاه‌ها نیز در آن مشارکت دارند. بخش سوم درباره جایگاه و نقش دانش در جوامعی بحث می‌کند که خود را بر اساس دانش توصیف می‌کنند. بخش چهارم به ارتباط میان آموزش عالی و توسعه می‌پردازد. بخش پنجم نشان می‌دهد که دیگر دانشگاه‌های کلاسیک در عرصه آموزش عالی تنها نیستند و دانشگاه‌های نوین شکل گرفته‌اند و نقشی بر عهده می‌گیرند.

۲. خورشیدی (۱۳۸۳) اثر خویش را با عنوان **درآمدی بر اقتصاد آموزش عالی** تنظیم کرده است. وی در بخش نخست، مفاهیم سرمایه انسانی و آموزش فرامرزی را بررسی کرده است. بخش دوم به بررسی دیدگاه‌های رقیب درباره سازمان‌دهی آموزش عالی اختصاص یافته است. در بخش سوم به تجزیه و تحلیل مسئله تأمین مالی در آموزش عالی توجه شده است. بخش چهارم با نگاهی عمیق‌تر به موضوع خصوصی‌سازی در آموزش عالی پرداخته است. بخش پنجم برنامه‌ریزی آموزش عالی را با دیدی تحلیلی و انتقادی بررسی کرده است. بخش ششم به بحث درباره اقتصاد پژوهش محور می‌پردازد و بخش هفتم به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهاد اختصاص یافته است.

۳. عزیزی (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان **درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران با تأکید بر علوم انسانی**، نقش آموزش عالی در توسعه اقتصادی را بررسی می‌کند. فصل اول، علوم انسانی: چیستی و چرایی نام دارد. در فصل دوم، تاریخچه آموزش عالی کشور تحلیل می‌شود. در فصل سوم وضعیت آموزش و پژوهش و در فصل چهارم فرایندهای نارضایت بخش آموزش عالی در حوزه علوم انسانی تحلیل می‌شود. فصل پنجم این پژوهش به بررسی نقش و تأثیر کاربرد مدیریت کیفیت فراگیر در اصلاح و بهسازی و بهره‌ور کردن جنبه‌های کیفی فعالیت‌های علمی و پژوهشی مراکز آموزش عالی کشور در حوزه یادشده می‌پردازد.

۴. علیخانی (تابستان ۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان **شیوه‌های تحول و بهبود آموزش عالی و پژوهش در ایران با تحلیلی بر برخی مطالعات انجام شده**، به این موضوع پرداخته است که با چه شیوه‌هایی می‌توان نظام آموزش عالی و پژوهش کشور را بهبود بخشید. این شیوه‌ها در سه حوزه بررسی شده است: نخست، شیوه‌ها و راهکارهای مشترک حوزه آموزش و پژوهش طرح شده است؛ دوم درباره شیوه‌های مختص به حوزه آموزش عالی که به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی مربوط هستند، مباحثی طرح شده و سوم سازوکارهای مربوط به حوزه پژوهش بررسی شده است.

از آنجا که در مباحث کنونی و محافل علمی، جهانی‌شدن در عرصه آموزش عالی کمتر تحلیل و تبیین شده است، پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا حد امکان

پس از کالبدشکافی پیشینه، ابعاد و رویکردهای موجود در این زمینه، به طور خاص به تأثیر جهانی شدن بر آموزش عالی و به‌ویژه آموزش عالی ایران پرداخته شد. بر همین اساس پژوهش حاضر به ترتیب ذیل سازمان‌دهی شده است: (۱) جهانی شدن و بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها؛ (۲) مؤلفه‌های جهانی شدن آموزش عالی؛ (۳) ابعاد جهانی شدن آموزش عالی؛ (۴) تأثیر جهانی شدن بر آموزش عالی ایران و در پایان نیز نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. جهانی شدن و بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها

ارائه تعریفی دقیق و موشکافانه درباره بین‌المللی شدن دانشگاه‌ها یا جهانی شدن، چه به صورت مفهومی یا تجربی همانقدر دشوار است که مفهوم‌سازی درباره جهانی شدن دانشگاه‌ها. در این پژوهش ابتدا درباره موضوع مفهومی جهانی شدن و بین‌المللی شدن آموزش عالی بحث می‌شود. سپس مؤلفه‌های جهانی شدن آموزش عالی و ابعاد جهانی شدن آموزش عالی مطالعه و بررسی می‌شود. در این پژوهش از تعریف غیرارزشی، نایت و دی وایت استفاده می‌شود. جهانی شدن به مثابه جریان فناوری، اقتصاد، دانش، مردم، ارزش‌ها و نظرها در میان مرزها تعریف می‌شود. جهانی شدن هر کشوری را به واسطه تاریخ، سنت‌ها، فرهنگ و اولویت‌های ملی خاص آن به نحوی از انحا متأثر می‌کند (بگ، ۱۳۸۹: ۱۹۹-۱۹۸). اصطلاحی که اغلب به اشتباه مترادف جهانی شدن گرفته می‌شود، اصطلاح «بین‌المللی شدن» است. نایت بین‌المللی شدن را «فرایند اضافه کردن یک بعد بین‌ملیتی، بین‌فرهنگی و جهانی به اهداف، وظایف و خروجی‌های آموزش عالی» تعریف می‌کند. از این رو، بین‌المللی شدن را اساساً می‌توان عکس‌العمل و پاسخی به چالش‌ها، فشارها یا فرصت‌های فراروی جهانی شدن دانست؛ بنابراین، این مفهوم در تحلیل رویکرد دولت‌ها به توسعه منابع انسانی از طریق آموزش عالی، نقشی کلیدی بازی می‌کند (بگ، ۱۳۸۹: ۱۹۹).

۱-۱. بین‌المللی شدن دانشگاه

بین‌المللی شدن یکی از مهم‌ترین فرایندهای جهانی آموزش عالی در دهه گذشته بوده است. برخی جهانی‌شدن و بین‌المللی شدن را مفاهیمی یکسان دانسته‌اند؛ اما نایت این دو را یکسان نمی‌پندارد. به اعتقاد او جهانی‌شدن مفهومی ایدئولوژیک است که به تأثیر تکنولوژی‌های ارتباطی جدید، سیاست‌های جهانی و تأثیر آنها بر اقتصاد، فرهنگ و سیاست در جهان اشاره می‌کند؛ اما بین‌المللی شدن آموزش عالی راهبرد و سیاستی انتخابی است که دولت‌ها برای مواجهه و بهره‌برداری مناسب از فرایندهای جهانی‌شدن به کار می‌گیرند (Knight, 1997: 13-14).

پیتر اسکات نیز جهانی‌شدن و بین‌المللی شدن در آموزش عالی را دو مفهوم متفاوت می‌داند. به اعتقاد اسکات بین‌المللی شدن، وجود و حضور دولت‌ملت‌ها را مفروض و قطعی می‌پندارد؛ درحالی‌که جهانی‌شدن فرایندی به‌منظور کاهش حضور و اقتدار دولت‌ملت‌هاست. همچنین بین‌المللی شدن بحثی در حیطه دیپلماسی و فرهنگ است، درحالی‌که جهانی‌شدن مفهومی مرتبط با نظام سرمایه و گسترش فرهنگ مصرف‌گرایی است (Scott, 1999: 37). در یک طبقه‌بندی کلی می‌توان دلایل بین‌المللی شدن را در چهار زمینه سیاسی، اقتصادی، دانشگاهی و فرهنگی خلاصه کرد (Alladin, 1992: 12).

همکاری آموزشی به‌مثابه نوعی سرمایه‌گذاری برای آینده روابط دیپلماتیک میان ملت‌ها محسوب می‌شود. از آنجا که اغلب نخبگان سیاسی از میان دانشگاهیان برگزیده می‌شوند، گسترش اعطای بورس‌های بین‌المللی و پذیرش دانشجویان خارجی به منزله معرفی فرهنگ و جامعه خود به رهبران سیاسی و مدیران ارشد آینده کشورهای جهان است. همچنین روابط دانشگاهی می‌تواند موجب استحکام روابط سیاسی و اقتصادی میان دولت‌ها شود. به‌ویژه در اوضاعی که روابط سیاسی و دیپلماتیک رسمی چندان مستحکم نیست، روابط دانشگاهی راهی برای تداوم و حفظ روابط و تعدیل خصومت‌هاست (Dewit 2002: 86).

بین‌المللی شدن آموزش عالی و گسترش مبادلات دانشگاهی باعث رشد اجتماعی دانشگاهیان می‌شود؛ زیرا دامنه تجربه اجتماعی و دانش فرهنگی دانشجویان و دانشگاهیان از ملت‌ها و فرهنگ‌های مختلف افزایش می‌یابد و باعث

نوعی «جهش» در فرایند رشد آنها از نظر یادگیری و خلاقیت می‌شود. کالن در مطالعه‌ای تجربی درباره تأثیر تحصیل در خارج بر دانشجویان می‌نویسد: مواجهه با فرهنگ‌های دیگر باعث فراگیری دانش و تجاربی می‌شود که هرگز امکان تحصیل آن در وطن برای فرد وجود ندارد. عقاید قالبی فرد شکسته می‌شود و چشم‌انداز وسیع‌تری از جامعه و فرد برای دانشجوی خارجی به وجود می‌آید (Kallen, 1991: 43).

طی دو دهه گذشته اکثر کشورهای غربی بیشترین تلاش خود را صرف بین‌المللی کردن نظام آموزش عالی خود از راه جذب دانشجوی خارجی، اعزام دانشجو به کشورهای دیگر، بین‌المللی کردن دروس، گسترش پروژه‌های تحقیقاتی مشارکتی، گسترش قراردادهای همکاری بین‌المللی و فعالیت‌های مشترک فراملیتی، چندفرهنگی کردن محیط و فضای دانشگاه و چندزبانه کردن دانشگاه‌ها کرده‌اند (Callan, 1998: 23).

واقعیت انکارناپذیر این است که انسان امروز در حال تجربه کردن زندگی کاملاً متفاوت از گذشته است. ظهور و توسعه امکانات و تکنولوژی‌های حمل و نقل و تکنولوژی‌های ارتباطی که به طور مشخص از اوایل دهه ۱۹۷۰ فراگیری و قدرت خود را نشان می‌داد، میزان پیوندها و ارتباطات متقابل میان جوامع انسانی و مردم را فراتر از دولت ملت‌ها گستراند و چهره «نظام جدید جهانی» را آشکار کرد. در این نظام که به دهکده‌ای کوچک تعبیر می‌شود، ارتباطات متقابل و دوسویه میان انسان‌ها و جوامع، چنان گسترش و استحکام یافته است که در آن هر اتفاق، تصمیم و فعالیتی در هر گوشه‌ای از عالم، می‌تواند نتایج مهمی برای دیگر بخش‌های دور و نزدیک ایجاد کند. در نتیجه این تحول، فشردگی شدیدی در مقولات بنیادین در زمان و مکان به وجود آمده است و سرعت جابه‌جایی و سیر و سفر انسان‌ها، کالاها و ایده‌ها چنان شدت گرفته است، گویی «مرز»ها درنوردیده و «فاصله»ها ناپدید شده‌اند (فاضلی، ۱۳۸۷: ۲۳-۲۲).

از نظر اجتماعی نیز حقوق و وظایف فرد دستخوش تحول شده است و مفهوم «شهروند جهانی»، یعنی موجودی سیال، سیار و با هویت اجتماعی «چهل تکه» ظهور کرده است. از نظر فرهنگی، کارکرد و ماهیت نهادهای اجتماعی خانواده،

مدرسه، دولت و آموزش عالی دگرگون شده است. فرایندهای جهانی شدن در تمام سطوح و ابعاد دانشگاه تأثیرهای عمیقی بر جای گذاشته است. برخی نظریه پردازان پست مدرن مانند ریدینگز و گرین بر اساس تحلیلی که از رشد فرهنگ جهانی و کاهش نقش دولت ملت دارند، معتقدند دانشگاه دیگر «انسجام فرهنگی و ملی» خود را از دست داده است یا به‌زودی از دست خواهد داد (Green, 1997: 171)؛ اما در عین حال شواهد بسیاری نشان می‌دهد جهانی شدن با کمک تکنولوژی اطلاعاتی و ارتباطی باعث «مرکززدایی» یعنی کاهش انحصار کشورهای غربی در تصاحب دانش علمی، از ظرفیت‌های علمی در جهان شده است.

اگرچه فرایندهای جهانی شدن به شکل گرفتن «اجتماع علمی جهانی» منجر می‌شود، این سخن به معنای آن نیست که نظام‌های ملی آموزش عالی به تدریج تضعیف می‌شوند یا از بین می‌روند. برعکس، شواهد تجربی نشان می‌دهد رشد فرایندهای جهانی شدن باعث شده است که به تدریج علم و دانشگاه به صورت ملی و محلی سازمان‌یافته‌تر و گسترده‌تر شود. در عین حال روابط درونی میان دانشگاه‌ها نیز گسترش می‌یابد و از نظر جهانی نیز دانشگاه‌ها به هم پیوسته‌تر و مرتبط‌تر می‌شوند (Delanty 2002: 129).

اگرچه همه دانشگاه‌ها بین‌المللی و جهانی نیستند، همه آنها تحت تأثیر جهانی شدن قرار دارند. دانشگاه‌ها امروزه تمام برنامه‌ها، فعالیت‌ها و همچنین قوانین و اصول مدیریت و کار خود را از طریق سیستم‌های مختلف الکترونیکی و چاپی به اطلاع همگان می‌رسانند و وب‌سایت‌ها نقش مهمی در ایجاد «ارتباطی دوسویه و فعال» بین مردم، دانشجویان و دانشگاه‌ها برقرار می‌کنند. در ادامه به برخی از شواهد و مؤلفه‌های جهانی شدن در آموزش عالی اشاره می‌شود.

۲. مؤلفه‌های جهانی شدن آموزش عالی

نمودهای جهانی شدن در عرصه‌های مختلف آموزش عالی مشهود است که برای نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. **شرکتی شدن** نخستین مؤلفه جهانی شدن آموزش عالی در دانشگاه‌هاست. دانشگاه در گذشته «نهادی» تلقی می‌شد که از نقش‌های عمده آن آموزش، نگهداری

دانش و نقش ملی آن انتقال میراث فرهنگی بود؛ اما اکنون گرایش‌های آشکار و پنهانی وجود دارد که دانشگاه مانند یک بنگاه و شرکت دیده شود که برحسب مقتضیات بازار، به طور مداوم به بهره‌وری نوآوری فکر کند و دغدغه‌های فراملی بنگاهی در اقتصاد جهانی داشته باشد. اساساً الگوی آموزشی یک‌طرفه، جای خود را به فرایند یاددهی - یادگیری برای توسعه مهارت‌های لازم به منظور بقا در بازار و برآمدن از عهده اوضاع رقابتی می‌دهد و در آن از استاد اسطوره‌زدایی می‌شود و دانشجو و استاد توأمان با مخاطرات این اوضاع رقابتی و مقتضیات بنگاهی مواجه‌اند. بدین ترتیب «اجتماع علمی» جای خود را به نوعی «شبه‌اجتماع علمی» می‌دهد؛ زیرا در کنار تعهدات مشترک به هنجارهای ناب علمی و شیوه‌ها و قواعد آن، مانند بی‌طرفی، عام‌گرایی و غیره مقتضیات بنگاه‌داری و رفتار شرکتی نیز به فرهنگ کار علمی و اجتماع علمی نفوذ کرده است و پدیده «پژوهشگر پیمانکار» ظاهر شده و الگوهای جاافتاده پیشین دستخوش تحول شده است، به طوری که گاهی به صورت وضعیت‌های بی‌هنجاری و ضعف هنجاری (وضعیت آنومیک) خود را نشان می‌دهد. یکی از آثار شرکتی شدن دانشگاه‌ها و شبه‌بنگاهی شدن گروه‌های پژوهشی، برون‌گراتر شدن آنها در مقایسه با درون‌گرایی‌های دانشگاهی قبلی است.

سرانجام از مسائل مرتبط با شرکتی شدن این است که عصر انحصار دانشگاه در تولید دانش به سر آمده است و بنگاه‌های رقیب در زمینه تحقیق (R&D) واحدهای فناوری و نوآوری، به بنگاه‌های مشاوره و فعالیت‌های مرتبط با بازتولید و تبدیل دانش فعال شده‌اند و جریان دانش، به صورت خطی و یک‌طرفه از دانشگاه به بنگاه نیست و تعامل‌های پیچیده‌ای در حال شکل‌گیری است (فراستخواه، ۱۳۸۲: ۳۲-۱۵).

۲. رقابتی شدن از دیگر مؤلفه‌های جهانی شدن آموزش عالی است. رقابت میان دانشگاه‌ها با هم، دانشگاه با بنگاه، با دستگاه‌های دولتی، رقابت گروه‌ها، رقابت کنشگران فردی اجتماع علمی با هم، به شکل جدی در حال گسترش است؛ به طوری که شیوه عملکرد فردی و نامتعیین جایگزین شیوه عملکرد اجتماعی و متعین می‌شود و عضویت‌های پایدار جای خود را به عضویت‌های ناپایدار می‌دهد. هیئت

علمی صرفاً عضو اجتماع علمی نیست، بلکه قراردادهایی نیز با بنگاه‌ها، دولت و نیروهای بازار دارد. از دانش و دانشگاه مرکززدایی می‌شود و نوعی پراکندگی در حال شیوع است، فرایند ایدئولوژی زدایی نیز در همین زمینه فهمیدنی است. معنای ثابت و پایدار به طور مداوم در حال تحلیل رفتن و محو شدن است (Gibbs, 2001: 85-94).

۳. فراگیر شدن از دیگر مؤلفه‌های جهانی شدن آموزش عالی است و بر اساس آن، فرهنگ «نخبه‌گرایی» در دانش، به سمت فرهنگ «متوسط‌گرایی» حرکت می‌کند. تمایلات اصلی روشنفکرانه، به نفع تمایلات روزمره کسب و کار به حاشیه فرهنگ علمی می‌رود. دانشگاه دیگر برج عاج نیست، بلکه باید با نیروهای بازار و متقاضیان و طرف‌های بازی تعاملی نزدیک داشته باشد. دانشمندان یا دانشجویانی که بدون توجه به وضعیت بازار در سطوح برتری از حیرت و اکتشاف و تتبع علمی در عالم درون غوطه‌ور شده‌اند، چندان ارزش مبادله‌ای ندارند و محل توجه نیستند و به جای آنها، دانشگرانی کار را پیش می‌برند که به صورت حرفه‌ای و با توجه به وضعیت بازار و تقاضاها، فعالیت‌های اثربخشی انجام می‌دهند، مسئله‌ای عاجل را حل می‌کنند، مهارتی نشان می‌دهند، به تقاضای جاری پاسخ می‌گویند. اینان‌اند که محل توجه دستگاه‌ها و بنگاه‌ها، مدیران دانشگاهی و جوامع علمی قرار می‌گیرند. در این عرصه، افراد ماهری که با منطق بازار پیش می‌روند، شانسی بیشتر از برجستگان متفکر و اهل نظر دارند که بی توجه به هیاهوی بازار، در کنج کتابخانه و خلوت تحقیق به تأمل و مطالعه علمی فرو رفته‌اند (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۲۱۰-۲۰۹).

۴. استاندارد شدن نیز از دیگر مؤلفه‌های جهانی شدن آموزش عالی محسوب می‌شود. معیارهای کیفیت و مطلوبیت در دانش در حال تحول است. اگر قبلاً ملاک‌های پیشین معرفت‌شناختی مورد توجه بود و تحقیقی علمی بر اساس روایت علمی سنجیده می‌شد، اکنون به ملاک‌های مورد انتظار متقاضیان و مصرف‌کنندگان نیز تأکید می‌شود (Gibbs, 2001: 85-94). برای ارزیابی دانشگاه‌ها بر استانداردهایی تأکید می‌شود که انتظارات بنگاه‌ها و نیروهای بازار را نیز برآورده کند، منطق مصرف و کاربرد در استانداردسازی علم نفوذ می‌کند؛ همان‌گونه که منطق هزینه - فایده و مقتضیات و ترجیحات عقلانی سرمایه‌گذار و به‌کارگیری منابع در سنجش

برنامه‌های پژوهشی بخش دانش، مداخلیت پیدا می‌کند؛ مبادله کنشگران دانش صرفاً در حد اهدای مقاله به اجتماع علمی و گرفتن تأیید و شناسایی نیست، بلکه جنبه دادوستد بازاری نیز پیدا می‌کند. اینکه پژوهشگری بتواند نتیجه کار خود را به دستگاه‌های دولتی و بنگاه‌ها عرضه کند تا از این طریق امکان دسترسی بیشتری به منابع فراهم بیاید، روز به روز قوت می‌گیرد و به طور کلی، استاندارد علمی معطوف به مقتضیات بازاری می‌شود. همچنین استانداردهای علمی، روز به روز به سمت «کارآفرینی علمی» گرایش می‌یابد. بدین معنا که آن پژوهش علمی بیشترین ارزش را دارد که از طریق آن، بیشترین خلاقیت برای استفاده اطلاعات موجود دانش بشری به منظور تولید تازه یک محصول جدید، یک فرایند نو و قابل استفاده در شرایط رقابتی صورت می‌گیرد (فراستخواه، ۱۳۸۸: ۲۱۱).

۵. مجازی شدن یکی دیگر از مؤلفه‌های جهانی شدن آموزش عالی است. فناوری اطلاعات و ارتباطات و ظهور جریان واقعیت مجازی به فرایندهای جهانی شدن آموزش عالی ابعاد پیچیده و متنوعی داده است. اگر در گذشته، تحقیقات بر اساس اطلاعات محدود صورت می‌گرفت و به شکل بسته‌هایی درمی‌آمد که در مقیاس محدودی مبادله می‌شد، امروزه تحقیقات از اطلاعات نامحدود و برخط شبکه‌ای تغذیه می‌کند. موضوع خلاقیت‌ها و فناوری‌ها در ابعاد کمی و کیفی گسترده و وسیع‌اند و لحظه به لحظه، مورد مبادله و تبادل قرار می‌گیرند. این اوضاع سبب شده است که الگوهای سنتی تعاملات چهره به چهره صرفاً فیزیکی در اجتماع علمی و نیز اندازه و ابعاد متعارف مبادلات علمی متحول شود و جریان خطی دانش از یک دانشگاه به یک بنگاه نیز جای خود را به بازاری مجازی در مقیاس فراملی با رقابت‌های شدید و گزینه‌های متعدد بدهد. همانطور که انتقال دانش در کلاس‌های فیزیکی محدود و با شیوه‌های سنتی صورت نمی‌گیرد و فرایند یادگیری، بیرون از تقویم‌های دانشگاهی و محدودیت‌های مرسوم، به صورت یادگیری از راه دور در مقیاس شبکه توسعه می‌یابد (فراستخواه، ۱۳۸۶: ۲۱۲).

جهانی شدن موجب شده است که آموزش عالی به مثابه کالایی تجاری قلمداد شود که اساساً تحت انحصار نیروی بازار است. اگرچه جهانی شدن بدون هیچ‌شکی، می‌تواند اثرات بیشتری از نظر گسترش دستیابی به آموزش عالی و کاهش

کمیود دانش در کشورهای در حال توسعه داشته باشد، می‌تواند جنبه‌های منفی نیز داشته باشد و دانشگاه‌های این کشورها را به طور جدی تهدید کند.

۳. ابعاد جهانی‌شدن آموزش عالی

در مجموع در مطالعاتی که درباره جهانی‌شدن آموزش عالی انجام گرفته است، درباره ویژگی‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی آن به طور ویژه‌ای بحث شده است.

۳-۱. ابعاد اقتصادی جهانی‌شدن آموزش عالی

پدیده جهانی‌شدن، اصولاً به صورت اقتصادی و تجاری در ذهن تداعی می‌شود. اغلب هدایت‌کنندگان دانشگاه با دیدگاهی نئولیبرالیستی معتقدند که به منظور بقا و کامیابی در دنیایی مملو از تغییرات پرشتاب، باید آغوش خود را روی بازار بگشایند و به شرکت‌های تجاری مشتری‌محور تبدیل شوند. بر اساس اقتصاد نئولیبرالی، قوانین و قیود آموزشی به مثابه «کالایی عمومی» که هزینه‌های آن از طریق وضع مالیات تأمین می‌شود، بی‌جهت و ناحق هستند. در مقابل اقتصاد نئولیبرالی معتقد است که این نظام با آموزش مبتنی بر پرداخت کاربران و مقررات زدایی از مؤسسات آموزشی، باید جایگزین شود تا این مؤسسات بتوانند بر سر دلارهای دانشجویان برای آموزش رقابت کنند (یانگ، ۱۳۸۹: ۱۱۰).

زمانی که موضوع هزینه و سود در اولویت آموزش عالی باشد، مسائلی از قبیل هزینه‌ها، سرمایه‌گذاری (تأمین مالی) و کارایی مورد توجه روزافزون قرار می‌گیرد و جنبه مهمی از روابط بین آموزش عالی و جامعه را تشکیل می‌دهد. به هر حال، تأمین مالی آموزش عالی در حاشیه مسائل مورد توجه اقتصاددانان بزرگ قرار داشت تا اینکه اهمیت شیوه‌های سرمایه‌گذاری در بازار از طریق شهریه‌ها افزایش یافت و آن را به طور جدی در حیطه نظریه اقتصادی نئولیبرال وارد کرد (خورشیدی، ۱۳۸۳: ۱۸۶-۱۷۸).

اتکویچ و لیسدورف فرضیه جالب «منحنی سه‌گانه» روابط دانشگاه، صنعت و دولت را ارائه کرده‌اند. در حال حاضر روابط دوگانه دولت و دانشگاه از یک طرف و روابط میان صنعت و دانشگاه از طرف دیگر به سمت پیوندی سه‌گانه میان دولت،

دانشگاه و صنعت پیش می‌رود. اکنون دانشگاه‌ها با مرتبط شدن به صنعت و پاسخ‌گویی در برابر فشارهای دولت به تدریج در اقتصاد جهانی وارد می‌شوند (دلانتی، ۱۳۸۶: ۱۹۸). بر همین اساس دانشگاه‌ها در همه جا با جدیت تلاش می‌کنند شرکایی برای خود در حوزه‌های مهم تکنوعلم پیدا کنند. در واقع اکنون شاهد آن هستیم که دانشگاه با صنعت پیوند شراکتی فعالانه‌ای برقرار کرده است. از طریق فرایند سه‌گانه تولید دانش، دانشگاه‌ها از منابع مالی فدرال برای خلق اختراعات و ابتکارات استفاده می‌کنند، سپس این اختراعات و اکتشافات را در اختیار بخش خصوصی قرار می‌دهند. در یک اقتصاد جهانی شده دانش‌بنیان، سطوح بالای تخصص که در دانشگاه یافت می‌شود، کانون مهم توسعه سرمایه‌داری در سطح جهانی محسوب می‌شود (دلانتی، ۱۳۸۶: ۲۰۴-۲۰۳).

به موازات قطع کمک‌های مالی، حرکت به سوی خصوصی‌سازی نیز اتفاق می‌افتد که نوعی تمایل به خواسته‌های کسانی است که توانایی پرداخت هزینه‌های تحصیلی را دارند. عیوبی که از اجرای موازین خصوصی‌سازی، به ویژه موازین مربوط به توانایی‌ها و استعداد فارغ‌التحصیلان و کیفیت تحقیقات و خروجی‌های دانشگاهیان فاش شده است، نشان‌دهنده خطر سپردن سرنوشت دانشگاه‌ها به دست نیروهای بازارمحور جهانی شدن است. در وضعیت جهانی شدن، صرفه‌جویی‌های دولتی در کاهش و قطع ناگهانی بودجه دانشگاه‌ها در کنار افزایش تعداد دانشجویان، بسیار زیان‌آور است (یانگ، ۱۳۸۹: ۱۱۷-۱۱۶).

خصوصی‌سازی مؤسسات آموزش عالی و ایجاد مهارت یکی از راهبردهایی است که به منزله پاسخی به فشارها و الگوهای متغیر جهانی شدن آموزش عالی و اشتغال، مورد بحث و بررسی فراوان قرار گرفته است. در پاسخ به نیازهای جهانی شدن برای حفظ کارایی، بهره‌وری و رقابت در بازارهای جهانی، گروهی از صاحب‌نظران و سازمان‌های بین‌المللی، خصوصی‌سازی مؤسسات آموزش عالی را پیشنهاد می‌کنند. اما مخالفان معتقدند که با توجه به ماهیت توسعه سرمایه‌داری و اصول زیربنایی آن و همچنین نابرابری‌ها و شکاف‌های عظیم طبقاتی درون کشورها، خصوصی‌سازی آموزش عالی به معنای نادیده گرفتن بخش اعظم توانمندی‌های انسانی و مهارت‌های افراد جامعه در عصر جهانی شدن است. لذا، آنان به نقش

دولت در ایجاد زمینه و بستر مناسب و سرمایه‌گذاری در آموزش عالی اهمیت می‌دهند (امین اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۳۵۷).

در مجموع امروزه دانشگاه‌ها در وضعیتی بسیار حساس و متغیر فعالیت می‌کنند؛ زیرا تحولات بسیار سریع سیاسی و اقتصادی در درون و برون، آنها را با چالش‌های پیچیده‌ای مواجه کرده است. ازاین‌رو انتظارات عمومی در خصوص دستیابی به آموزش عالی، نگرانی دولت‌ها از نقشی که دانشگاه‌ها در توسعه اجتماعی و اقتصادی بازی می‌کنند و کاربرد اصول مشخصی از اقتصادهای بازار و مدیریت سازمانی، زمینه نوینی را برای آموزش عالی ایجاد کرده است.

۲-۳. تأثیرات سیاسی جهانی‌شدن بر آموزش عالی

جهانی‌شدن اغلب به منزله نیرویی قدرتمند و جدید برای تغییر در اجتماع نه تنها در ابعاد اقتصادی، بلکه در ابعاد اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز مورد توجه قرار گرفته است. جهانی‌شدن یکی از تعیین‌کننده‌های بسیار مهم شرایط انسانی در دنیای معاصر نیز محسوب می‌شود که سرانجام ممکن است ارتباط بین شهروندی و ملت و دولت را از هم بگسلد (صالحی، ۱۳۸۳: ۵۳۲). نظریات ارائه شده درباره جهانی‌شدن از نظر سیاسی بر این مسئله اتفاق نظر دارند که دولت‌ملت رو به زوال است و فرایندهای فراملی اهمیت روزافزونی یافته است؛ درحالی‌که این نظریات در این باره اختلاف نظر دارند که آیا پدیده جهانی‌شدن، جهانی هماهنگ‌تر و متجانس‌تر به دنبال می‌آورد یا در نتیجه سرسختی بازیگران محلی باعث بخش‌بخش شدن جهان می‌شود.

با وجود اینکه همه از کاهش نقش دولت سخن می‌گویند، دولت‌ها هنوز قدرتمندترین بازیگران جهانی محسوب می‌شوند و سرمایه‌داری نیز تا حد زیادی در امتداد خطوط ملی سازمان‌دهی شده است. در عین حال شکی وجود ندارد که حاکمیت ملی دچار نقصان شده است. دولت‌ها تا حد زیادی نقش تعیین‌کننده خود درباره سیاست‌های کلیدی را حفظ کرده‌اند؛ اما رقبای بسیاری در مقابل آنها قد علم کرده‌اند که بخش غیردولتی و سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی از آن جمله هستند (دلانتی، ۱۳۸۶: ۱۹۳-۱۹۲). در مجموع، جهانی‌شدن و رویکرد نوین عمومی

مدیریت، نقش دولت‌ملت‌ها را به چالش کشانده است و آنها را تغییر می‌دهد. حرکت به سوی بیشترین حد آزادسازی تجارت یکی دیگر از عوامل به شمار می‌آید. درباره آموزش، دولت‌ها بر حسب عادت، در تأمین منابع مالی، ارائه مقررات، نظارت و تأمین خدمات آموزشی عالی یا دست کم در تعیین نهادهای مسئول این فعالیت نقش بازی می‌کنند. این موضوع در کشورهای صادق است که نظام عمومی در آنها حاکم است یا در کشورهایی که نظام مختلط عمومی - خصوصی دارند.

هنگامی که تأمین کنندگان خارجی بخش عمومی یا خصوصی خدمات آموزشی، در نظر داشته باشند به بازار ملی یا تأمین کنندگان بخش عمومی ملی دسترسی داشته باشند و به بازاریابی در دیگر کشورها بپردازند، اوضاع پیچیده تر می‌شود. در مجموع تمامی این اتفاق‌ها دولت‌ها را وامی‌دارد تا چشم‌انداز بلندمدت و با گستره زیادی در ارتباط با پیامدهای رشد تجاری با خارج درباره نقش آنها در تأمین و تنظیم خدمات آموزشی برگزینند (برتون و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۲۵-۱۲۳).

دولت‌ها تنظیم‌کننده ارتباط با عملکرد دانشگاه‌ها هستند. البته روشن است که دولت‌ها به دنبال توسعه اقتصاد دانش‌محور از جمله آموزش عالی هستند تا بدین وسیله بتوانند از فرایند توسعه در داخل کشور حمایت کنند؛ بنابراین سیاست اقتصادی بر آموزش عالی نیز تأثیرگذار خواهد بود. البته بسیار مشخص است که استقلال دانشگاه و آزادی اعضای هیئت علمی نه تنها اصلی ارزشمند و احترام‌آور است، بلکه شرطی مهم برای کسب اطمینان از تولید دانش منتقدانه محسوب می‌شود. به این ترتیب آموزش عالی خواهد توانست نقش اساسی خود درباره توسعه اقتصاد دانش‌محور را بازی کند (جوسویسین و وایتکوس، ۱۳۸۹: ۸۰-۷۹).

درباره تأثیرات سیاسی جهانی شدن بر مؤسسات آموزش عالی دو مسئله عمده وجود دارد: نخستین مسئله این است که آیا کاهش نقش دولت و افزایش قدرت فرایندهای جهانی شدن به معنای بازنگری در رسالت اجتماعی دانشگاه نیز است؟ مسئله دوم به ماهیت شکل‌گیری دانشگاه‌ها مربوط می‌شود، زیرا اصولاً مسئله «قدرت و دانش» در سطح ملی موجب شد که دانشگاه‌ها، آموزش دانشجویان، حمایت از فرهنگ ملی و تربیت شهروندان معتقد به آرمان‌ها و اهداف ملی را هدف

خود قرار دهند و بر این اساس شکل بگیرند؛ اما در حال حاضر در سطح جهانی رویکردهای جهانی «قدرت - دانش» جدیدی هویدا شده و ماهیت قدرت و عوامل پدیدآورنده آن دگرگون شده‌اند؛ از این روست که ماهیت دانش و ویژگی‌های آن نیز ضرورتاً مستلزم بازنگری است (امین اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۳۵۴).

اگر تغییر در نقش‌های دولت و کوچک شدن ابعاد آن را «سیاست گذار»، «تسهیل‌کننده» و «همکار» در نظر بگیریم، ممکن است به این نتیجه برسیم که در آینده نزدیک مؤسسات آموزش عالی نخواهند توانست همانند گذشته تابع سیاست‌های دولت‌ها باشند و نیز از کمک‌های گسترده مالی دولت‌ها برخوردار شوند؛ چرا که بخش اعظم اعتبارات مالی دانشگاه‌ها را به طور سنتی دولت‌ها تأمین می‌کنند.

۳-۳. تأثیرات ابعاد فرهنگی - اجتماعی جهانی‌شدن بر آموزش عالی

در قرون گذشته، تغییرات اجتماعی به آهستگی صورت می‌گرفت و هر کس فقط می‌توانست قسمتی از این فرایند را درک کند. امروزه روندهای تکاملی هر روز تغییر می‌یابند؛ به گونه‌ای که جوانان الزاماً در زندگی خود با بیشتر این روندها مواجه خواهند شد. اکنون جوانان باید با به اصطلاح شدن‌های روان‌دنیایی نامطمئن آشنا شوند که ویژگی آن اوضاع زندگی ناپایدار است. بدین گونه، تعلیم و تربیت آنها و اساساً پیش‌زمینه فرهنگی آنها، باید از تعلیم و تربیت ما و پیش‌زمینه فرهنگی ما متفاوت و متکی به وظایف آنها باشد. آنان باید با مشکلات اجتماعی جدیدی روبه‌رو و از این واقعیت آگاه شوند که رفتار فردی به همه مربوط می‌شود.

جهانی‌شدن و پیشرفت ارتباطات، دال بر آن است که هر یک از ما، با رفتار و افکارمان می‌توانیم تقریباً تأثیری مستقیم یا غیرمستقیم بر دیگر مردمان در هر کجای جهان بگذاریم، بدون آنکه حتی خودمان به طور کامل از آن فرایند آگاه باشیم (هیرش و وبر، ۱۳۸۰: ۴۹). آموزش عالی از فرهنگ جامعه‌ای که آن را دربرگرفته است، تأثیر می‌پذیرد و نیز بر آن تأثیر می‌گذارد؛ از بطن جامعه متولد می‌شود و به شکل گرفتن جامعه هم کمک می‌کند (خورشیدی، ۱۳۸۳: ۱۳۵). درباره بعد فرهنگی - اجتماعی و آموزش جهانی‌شدن دو دیدگاه کلی وجود دارد: جهان به سمت تنوع

فرهنگی و چندقطبی شدن گام برمی‌دارد؛ و جهان به سوی یگانگی و تک‌قطبی شدن حرکت می‌کند و در نهایت فرهنگ غرب به دلیل بر خورداری از امکانات تبلیغی بیشتر بر دنیا مسلط می‌شود. در هر دو دیدگاه به قابلیت‌های بالقوه و بالفعل مؤسسات آموزش عالی برای فرهنگ سازی به سبک جدید توجه می‌شود؛ چرا که جهانی شدن با فراهم‌سازی دسترسی همگان و انبوه‌سازی آموزش عالی نه تنها جنبه‌های نخبه‌گرایی و طبقاتی بودن آموزش عالی را از بین برده است، بلکه موجب کاهش کنترل متمرکز فرهنگی و اجتماعی بر فرایندهای آموزش شده است (امین اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۳۵۷-۳۵۶).

موضوعی که در اینجا اهمیت می‌یابد، این است که آیا فرایند جهانی شدن پیامدهایی متجانس تولید می‌کند (مانند کواکولایی شدن جهان) یا سبب افزایش تنوع و گوناگونی می‌شود (از طریق اهمیت جنبه‌های محلی). در زمینه تنوع و گوناگونی، این امر از طریق شیوه‌های متعدد روی می‌دهد، به این صورت که فرایندهای جهانی با فرایندهای محلی ویژه‌ای ترکیب می‌شود و به اصطلاح پدیده‌های جهانی - محلی^۱ را به وجود می‌آورد. در واقع، هرچه بیشتر به جهانی شدن به منزله فرهنگ بنگریم، ترکیبات جهانی - محلی اهمیت بیشتری می‌یابند و شاخص‌های تجربی جهانی شدن به منزله پیامد کمتر به چشم خواهند خورد.

در ارتباط با موضوع بین‌المللی شدن دانشگاه، تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان دانشگاه‌های مختلف وجود دارد؛ این تفاوت از عوامل مختلفی از قبیل ساختار، راهبردها، رشته مورد مطالعه و فرهنگ دانشگاه برخاسته است. دانشگاه‌ها سازمان‌های پیچیده‌ای هستند که ویژگی‌های خاصی دارند، این ویژگی‌ها بر فرهنگ این مؤسسات اثرات عمیقی بر جای می‌گذارند (صباغیان، ۱۳۸۸: ۸۶-۸۵). از نظر فرهنگی، آموزش جهانی به دلیل خسارت دیدن فرهنگ‌های بومی و تحمیل بی‌رحمانه ارزش‌های غربی، سبب ایجاد نگرانی‌هایی درباره نگرش‌های استعمارطلبانه می‌شود. نوع جدیدی از استعمارگران دیده می‌شوند که به دور از هر عاطفه‌ای عقاید استعمارگران را درباره توسعه ملل، با این باور غلط ترویج می‌کنند

1. Global

که آنها افرادی خیرخواه و یاریگر هستند. اغلب مصرف‌کنندگان این بسترهای آموزشی، از آسیا هستند که در تشخیص و تصمیم‌گیری درباره پیش‌فرض‌های استعماری ناموفق هستند (یانگ، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

۴-۳. تأثیر جنبه‌های فناوری جهانی‌شدن بر آموزش عالی

در بعد فناوری، جهانی‌شدن به اشاعه فناوری‌هایی (سخت‌افزار و نرم‌افزار) اطلاق می‌گردد که روند گسترش اطلاعات جهانی را تسهیل می‌سازند. توسعه فناوری‌های پیشرفته، اطلاعاتی و دسترسی آسان و ارزان به اطلاعات در سطح جهانی جنبه‌های مهم دیگر جهانی‌شدن هستند (مهرعلی‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۲۳). جمع‌آوری، انباشت، تجزیه و تحلیل و انتقال حجم انبوهی از اطلاعات در کوتاه‌ترین زمان و دسترسی آسان به آن برای افراد ذی‌نفع از مهم‌ترین ویژگی‌های جهانی‌شدن است. فناوری اطلاع‌رسانی با به حداقل رساندن عامل زمان و مکان و کاهش هزینه توانسته است تحولی اساسی در ظرفیت‌های اقتصادی و تصمیم‌گیری مدیریتی فراهم کند. این تحولات برای آموزش عالی نیز سودمند بوده است. امکان دسترسی به کتابخانه‌های اینترنتی و شبکه‌های اطلاع‌رسانی ماهواره‌ای از این موارد به شمار می‌آید. رشد دانشگاه‌های مجازی در سال‌های اخیر نمونه‌ای از تأثیر روند فناوری مورد استفاده در علم اطلاع‌رسانی است که موجب شده است تا دانشجویان و علاقمندان به دانش، با مدرسان و محققان دیگر نقاط دنیا ارتباط سمعی و بصری برقرار کنند و در جلسات، سمینارها و میزگردهای علمی مشارکت مستقیم داشته باشند (امین اسماعیلی، ۱۳۸۳: ۳۵۵).

در حال حاضر در دانشگاه‌های مدرن تغییراتی در حال وقوع است. شیوه جدید مدیریت دانشگاهی به الگوهای تجاری بازرگانی و کارایی توجه می‌کند و به اساتید فشار می‌آورد تا به نظرهای دانشجویان توجه کنند و سازمان‌دهی برنامه‌هایشان را بهبود بخشند. صفحات اینترنتی در دسترس عموم، اکنون نسخه آن‌لاین^۱ تقویم دانشگاه و بروشور مطالب را در اختیار مردم قرار می‌دهد و ثبت نام اینترنتی روز به روز ممکن‌تر می‌شود. در حقیقت دانشجویان به جای انتخاب شدن، انتخاب می‌کنند

1. Online

(تیفین و راجاسینگام، ۱۳۸۹: ۸۶). در واقع از زمانی که دانشگاه‌ها به دانشجویان حق انتخاب داده‌اند، این امر به طور گسترده‌ای پذیرفته شده است که فناوری‌های اینترنتی نو، به عنوان وجه قابل رؤیت جهانی شدن، انقلابی در آموزش عالی ایجاد می‌کند.

بدیهی است که فناوری جدید موجب شده است که کالج‌ها و دانشگاه‌ها روش تدریس، تحقیق و خدمات همگانی خود را تغییر دهند. مؤسسات در سطوح مختلفی هستند و استراتژی‌های متفاوتی را در خصوص جذب تکنولوژی دنبال می‌کنند؛ اما، در بیشتر موارد انقلاب و تحول بدون هیچ‌گونه بینش یا طرح مشخصی صورت می‌گیرد و در موارد بسیار، دانشجویان و هیئت علمی آن را رهبری می‌کنند. آنان در پاسخ به امکانات فناوری جدید، فرایند تغییر را انتخاب می‌کنند. در بیشتر دانشگاه‌ها، دسترسی به فناوری اطلاع‌رسانی - رایانه‌ای جدید برای تمام اعضای جامعه دانشگاهیان امکان پذیر شده است. روش ذخیره‌سازی و سهیم شدن در اطلاعات، در کلاس‌ها و موردپژوهی‌ها، در حسابداری و سیستم‌های ثبت نام دانشجو و در کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و کالج‌ها، با افزایش سرمایه همراه است؛ سرمایه‌ای که اکنون به کسب فناوری، آموزش افراد به‌منظور استفاده از آن و استخدام کارکنان برای کسب و نگهداری فناوری اختصاص داده شده است (هیرش و وبر، ۱۳۸۰: ۸۳).

نوآوری در قلمرو فناوری‌های اطلاعاتی، راه‌های مختلف و مجازی را برای ارائه خدمات آموزش عالی فراهم می‌کند. الگوهای جایگزین انتشار برنامه‌های مرزی نظیر شعبه‌های پردیس، یادگیری الکترونیکی و دانشگاه‌های مجازی راه‌اندازی شده‌اند. شماری از تأمین‌کنندگان بخش خصوصی شکل‌های غیرسستی ارائه خدمات آموزشی را به‌ویژه در درون مرزهای ملی برگزیده‌اند. فناوری‌های نوین، یادگیری توسط اینترنت را امکان‌پذیر و عمومی کرده‌اند؛ در نتیجه، دانشگاه‌های مجازی راه‌اندازی شده‌اند.

اداره سازمان‌ها و نظام‌های مرتبط با آموزش عالی در وضعیت کنونی به شیوه سنتی دیگر کارایی لازم را ندارد. فناوری جدید به ظهور مؤسسات خدماتی و اطلاعاتی منجر شده است که ساختار کاملاً متفاوتی با الگوهای قدیمی مدیریت در

سازمان‌های صنعتی و تولیدی و خدماتی دارند. این سازمان‌ها که به نام سازمان‌های فرامدرن مطرح هستند، دارای ویژگی‌های خاصی از جمله وابستگی شدید به فناوری اطلاعات، ارائه محصول و خدمات بر اساس نیاز همه مشتریان، ارتباط مستقیم با مشتریان، خلاقیت و پویایی در عملکردها و تمرکززدایی می‌باشند (وحدت و اولیا، ۱۳۸۳: ۶۹۵).

در عصر جدید، بحث‌های موجود درباره فناوری در آموزش عالی به فراوانی یافت می‌شود. مدرسان و سیاست‌گذاران، فناوری را راه‌حلی برای بسیاری از معضلات، همچون بهبود کیفیت آموزشی، کاهش هزینه‌ها، افزایش بهره‌وری، توسعه دسترسی به آموزش و تسهیل در همکاری‌های پژوهشی تلقی می‌کنند. اما از سوی دیگر تحولات جهانی بیانگر آن است که مزایای فناوری اطلاعات و تکنولوژی‌های ارتباطی کمتر از ادعاهای طرف داران آن است؛ چرا که آموزش حاصل از فناوری، تجارب طبیعی و فیزیکی بیشتری از جامعه را ریشه‌کن می‌کند و بدیل کم‌اهمیت‌تری در قالب جوامع مجازی ارائه می‌کند، همچنین افراد را از منطقه فیزیکی و محلی به سمت مناطق مجازی و جهانی سوق می‌دهد و اجتماعات انسانی را تضعیف می‌کند.

با توجه به آنچه گذشت، تأثیر جنبه‌های فناوری جهانی شدن بر آموزش عالی مانند دیگر ابعاد جهانی شدن دوسویه است. از یک سو فرایند توسعه فناوری اطلاعات، اگر بر اساس راهبردهای مناسب متکی بر شیوه‌های صحیح و برنامه‌ریزی شده تحقق یابد، تأثیر عمیقی بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آموزش عالی خواهد گذاشت. بدون شک، تصادفی نیست که جهانی شدن به چالشی با چنین اهمیتی برای دنیای دانشگاهی امروزی تبدیل شده باشد. از سوی دیگر، به این دلیل که از این پس جوامع ما بر اساس تولید دانش سازمان‌دهی می‌شوند، آنها از روش توسعه صنعتی به روش توسعه ارتباطی سوق داده شده‌اند. نتیجه مستقیم آن، این است که دیگر کالاهای صنعتی نیروی به حرکت درآورنده فعالیت اقتصادی به شمار نمی‌روند، بلکه دانش‌هایی نوین هستند که ظرفیت نوآوری در جامعه‌ای اقتصادی را بیان می‌کنند. به این ترتیب، دانش جایگاه اجتماعی خود را تغییر می‌دهد و به کالاهایی دیگر که خرید و فروش و وارد و صادر می‌شود، تبدیل می‌شود.

۴. نموده‌های جهانی شدن آموزش عالی در ایران

همان‌گونه‌که در مباحث پیشین گفته شد، جهانی شدن در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و فناوری تأثیرات مستقیم و غیرمستقیمی در عرصه آموزش عالی داشته است. نظام آموزش عالی ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست و از روند جهانی شدن تأثیر پذیرفته است. در ادامه به برخی از نموده‌های جهانی شدن آموزش عالی ایران اشاره می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که این نموده‌ها به موارد ذیل محدود نمی‌شود، بلکه به مهم‌ترین آنها اشاره مختصری می‌شود؛ زیرا با توجه به هر جنبه‌ای از آموزش عالی ایران، جلوه‌های متعدد و عمیقی از تأثیرگذاری ابعاد مختلف جهانی شدن دیده می‌شود.

۴-۱. افزایش فرار مغزها

مسئله فرار مغزها و نخبگان به دیگر کشورها تاکنون به طور اساسی و زیربنایی بررسی و تجزیه و تحلیل نشده است. در این میان عوامل و مسائل زیادی چه از نظر سیاسی، اقتصادی، اجتماعی وجود دارد که می‌تواند باعث مهاجرت نخبگان شود. برخی عوامل نیز ممکن است در عدم برخورد منصفانه و عادلانه، رفتارهای تبعیض آمیز یا عوامل دیگر ریشه داشته باشد؛ نظام حقوقی، قضایی یا قانونی کشور، سیستم آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها، نظام پزشکی و بهداشتی کشور و بالاخره اوضاع سیاسی و اجتماعی از جمله دیگر عوامل مؤثر مهاجرت نخبگان به دیگر کشورهاست. مواردی که به منزله عوامل فرار مغزها بیان شد، با روند جهانی شدن آموزش عالی شدیدتر شد. به عبارت دیگر، جهانی شدن را می‌توان یکی از عوامل شتابزای فرار مغزها در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران دانست.

ایران از نظر فرار مغزها در صدر کشورهای جهان قرار دارد، حدود ۲۵ درصد از کل ایرانیان تحصیلکرده هم اکنون در کشورهای توسعه یافته زندگی می‌کنند. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول، سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار نفر از ایرانیان تحصیلکرده برای خروج از ایران اقدام می‌کنند. ایران از نظر فرار مغزها در بین ۹۱ کشور در حال توسعه و توسعه نیافته جهان مقام نخست را از آن خود کرده است. خروج سالانه ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی از این کشور معادل خروج

سالیانه ۵۰ میلیارد دلار سرمایه از این کشور است. در سال ۱۳۸۸ وزارت علوم ایران اعلام کرد از ابتدای انقلاب ۱۳۵۷، از میان ۱۲ هزار دانشجویی که با هزینه دولت به کشورهای مختلف سفر کرده‌اند، ۴۰۰ نفر باز نگشته‌اند و همچنین ۶۰ هزار دانشجوی ایرانی خارج از ایران تحصیل می‌کنند. طبق آمارهای رسمی نسبت خروج فارغ‌التحصیلان از ایران به تعداد کل این افراد، ۱۵ درصد است. طبق آمار صندوق بین‌المللی پول هم اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی در امریکا زندگی می‌کنند و طبق آمار رسمی اداره گذرنامه، در سال ۱۳۸۷ روزانه ۱۵ نفر با مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد، ۳/۲ نفر دکترا و در مجموع ۵۴۷۵ نفر لیسانس از کشور مهاجرت کرده‌اند (<http://fa.wikipedia.org/wiki>).

اصلی‌ترین تأثیر پدیده فرار مغزها بر کشور مبدأ، اتلاف هزینه‌هایی است که صرف‌تعلیم و تربیت نیروهای ماهر و تحصیلکرده شده است. کشورهای در حال توسعه و از جمله کشور ما، همه ساله با صرف هزینه‌های هنگفت برای بخش آموزش و پرورش که غالباً سهم مهمی از بودجه ناچیز آنها را شامل می‌شود، افرادی ماهر و متخصص تربیت می‌کنند؛ اما متأسفانه با مهاجرت این افراد به کشورهای پیشرفته صنعتی منابع عظیمی از سرمایه خود را از دست می‌دهند و این سرمایه به کشورهای مقصد سرازیر می‌شود (<http://www.ebtekarnews.com>).

در دنیای امروز که دیگر سرمایه کشورها فقط معادن و نفت نیست، محققان، پژوهشگران و وضعیت دانشگاه‌ها و استادان سرمایه اصلی یک کشور تلقی می‌شود. متأسفانه ایران در این زمینه با زیان بزرگی مواجه است و بی‌تردید خروج متخصصان که می‌تواند پشتوانه فکری، اجرایی و کارآمدی و بقای نظام سیاسی کشور باشد، در میان مدت به بحران سیاسی و اجتماعی فراگیری منجر خواهد شد و مجال اندیشیدن برای حل این مسائل از نظام گرفته خواهد شد. همچنین بی‌توجهی مسئولان وقت و ارزش‌قائل نشدن برای علم و جامعه علمی کشور و درگیر بودن آنها با مسائل مقتضی زمان، آنها را از توجه به آینده و رشد علمی صنعتی کشور بازداشته است و این مسئله می‌تواند زنگ خطر را برای کسانی که صدا درآورد که چشم و گوش خود را به برخی مسائل بسته‌اند.

۲-۴. توسعه پارک‌های فناوری

فناوری اطلاعات یکی از مباحث روز دنیاست که کشور ما نیز درگیر این مقوله است. در این میان یکی از بحث‌های اساسی، شکل‌گیری پارک فناوری است. پارک فناوری پایگاهی است ملی یا محلی برای جذب، ابداع، توسعه و نشر تکنولوژی نوین یا افزایش قابلیت‌ها و بهینه‌سازی تکنولوژی‌های بومی برای تقویت توان نوآوری کشور، از طریق متمرکز کردن عناصر اصلی درگیر در چرخه نوآوری، یعنی دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و صنایع خرد و متوسط متکی بر تکنولوژی پیشرفته، در یک پایگاه. اهداف عمده هر پارک فناوری را می‌توان به صورت زیر طرح کرد:

(۱) ارتقا و بهبود موجودی تکنولوژیکی صنایع کشور به منظور توسعه قدرت رقابت آنها در بازارهای داخلی و به‌ویژه بین‌المللی؛ (۲) کاهش زمان مورد نیاز در فرایند تجاری کردن دستاوردهای پژوهشی به‌ویژه برای شرکت‌ها و صنایع نوپا و آسیب‌پذیر؛ (۳) کمک به گسترش تخصص‌های بین‌رشته‌ای؛ (۴) تشویق به ایجاد شرکت‌های کوچک و متوسط متکی بر تکنولوژی‌های پیشرفته؛ (۵) ایجاد ارتباط بین صنایع، مؤسسات دولتی، دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی؛ (۶) آسان‌سازی همکاری و تشریک مساعی بخش‌های دولتی و خصوصی.

برای دستیابی به این اهداف پارک‌های علمی، فرایند دانش و فناوری را میان دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیق و توسعه، شرکت‌های خصوصی، و بازار مدیریت و رشد شرکت‌های متکی بر نوآوری را از طریق مراکز رشد و فرایندهای زایشی تسهیل می‌کنند. از این‌رو تاکنون بیش از ۸۰۰ پارک علمی و فناوری در بیش از ۵۵ کشور جهان ایجاد شده است. البته ایران نیز با راه‌اندازی پارک فناوری پردیس در حال پیوستن به این موج جدید است. ایران از ۱۰ سال قبل یعنی از سال ۱۳۸۰ پارک‌های فناوری را به منظور مدیریت جریان فناوری کشور با هدف رفع نیازهای صنعتی کشور ایجاد کرده است و تاکنون ۲۹ پارک علمی و ۹۰ مرکز رشد در کشور ایجاد شده است (<http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=1508855>).

کمک به افزایش ثروت در جامعه از طریق توسعه اقتصاد دانش‌محور، تجاری‌سازی نتایج تحقیقات و تحقق ارتباط بخش‌های تحقیقاتی، تولیدی و خدماتی جامعه، رشد شرکت‌های متکی بر دانش، کمک به جذب دانش فنی و

سرمایه‌های داخلی و بین‌المللی، حمایت از ایجاد و توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط فناوری، حمایت از مؤسسه‌ها و شرکت‌های تحقیقاتی و مهندسی نوآور با هدف توسعه فناوری و کارآفرینی از اهداف مهم این پارک‌ها بوده است. این اقدامات موجب شد تا یک درصد حجم کل صادرات کشور به صادرات خدمات دانش‌بنیان کشور اختصاص یابد و مسئولان امیدوارند تا این میزان در پایان برنامه پنج ساله پنجم توسعه به هشت درصد برسد. علاوه بر این، پیش‌بینی شده است که در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ حجم صادرات محصولات دانش‌بنیان ۲۰ درصد کل صادرات کشور را تشکیل دهد. تقویت پارک‌های علم و فناوری یکی از سیاست‌های بنیادی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است.

۳-۴. گسترش دانشگاه مجازی

امروزه در مراکز علمی و تحقیقاتی جهان، فناوری اطلاعات، یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم و فناوری در هزاره سوم به شمار می‌رود. همچنین به دلیل نقش کلیدی و راهبردی آن در بسیاری از معادلات اقتصادی و به‌ویژه اهمیت انکارناپذیر آن در روند پیشرفت جوامع، این فناوری نوین در کانون توجه بسیاری از دولت‌ها، قطب‌های اقتصادی، مراکز فرهنگی و بالاخره نظام‌های آموزشی و دانشگاه‌های جهان قرار گرفته است. شاخه‌های کاربردی مختلفی در فناوری اطلاعات موجود است که از مهم‌ترین آنها می‌توان به دولت الکترونیک، تجارت الکترونیک، دانشگاه مجازی، سازمان‌های مجازی و اطلاع‌رسانی الکترونیکی اشاره کرد.

دانشگاه‌های مجازی یکی از جدیدترین و کارآمدترین اشکال آموزش‌های از راه دور است و اخیراً در کشورهای مختلف نقش بسزایی در آموزش فراگیران بر عهده دارد. دانشگاه‌های مجازی مفهوم کلاس‌های سنتی درس را تغییر داده است. بسیاری از فعالیت‌هایی که در کلاس‌های مجازی صورت می‌گیرد، مشابه آن فعالیت‌هایی است که در برنامه‌ها و کلاس‌های درس سنتی انجام می‌شود؛ اما ماهیت و فضایی که این فعالیت‌ها در آن انجام می‌شود، متفاوت است. در کلاس‌های مجازی، دانشجویان بعضی از دوره‌ها را به صورت کنفرانس‌های رایانه‌ای از طریق اینترنت و شبکه‌های وب جهانی ارائه و از نرم‌افزارهایی استفاده می‌کنند که امکان برقراری ارتباط را برای

دانشجویان در نقاط مختلف فراهم می‌کند. ورود به این دوره‌ها از طریق رایانه شخصی در خانه یا در محیط کار با اتصال به اینترنت امکان‌پذیر است. امروزه صدها دانشگاه معتبر در سراسر دنیا دروس و رشته‌های دانشگاهی خود را از طریق اینترنت در دوره‌هایی ارائه می‌کنند که تنوع رشته‌ها و دروس ارائه‌شده با این روش در آنها بسیار زیاد است. با توجه به وضعیت یادشده در خصوص ضرورت توسعه دانشگاه‌های مجازی که نتیجه جهانی‌شدن آموزش عالی است، در طی سال‌های اخیر شاهد هستیم که در نظام آموزش عالی ایران نیز توجه ویژه‌ای به توسعه دانشگاه‌های مجازی شده است (<http://www.leitnerbox.ir/1388/01>).

دانشگاه مجازی در ایران، صنعتی نوپا در تکنولوژی آموزشی و آموزش از راه دور به شمار می‌رود؛ اما مراکز و مؤسسات آموزشی به‌ویژه دانشگاه‌ها تلاش می‌کنند تا هرچه سریع‌تر الگویی مناسب با ساختار آموزشی و فرهنگی کشور در زمینه آموزش الکترونیکی به منظور تأسیس دانشگاه‌های مجازی ارائه کنند. پایان دهه ۱۳۷۰ آموزش مجازی در دستور کار دانشگاه تهران قرار گرفت و پروژه‌هایی تحت این عنوان آغاز شد. سال ۱۳۸۰ سایت آموزش مجازی دانشگاه تهران با ارائه نه درس برای دانشجویان روزانه راه‌اندازی شد و از نیم سال اول تحصیلی همان سال بهره‌برداری از آن آغاز شد. در همان سال وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از تأسیس دانشگاه اینترنتی خبر داد که تحت نظر وزارتخانه، به صورت مؤسسه غیرانتفاعی نوع اول در سراسر کشور خدمات آموزشی ارائه خواهد کرد. به دنبال آن تعدادی از دانشگاه‌ها نیز اعلام کردند که راه‌اندازی آموزش الکترونیکی را جزء برنامه‌های خود قرار داده و هم‌اکنون تعدادی از آنها دروسی را به صورت تک‌درس برای دانشجویان حضوری خود به صورت مجازی ارائه کرده‌اند.

۴-۴. خصوصی‌سازی آموزش عالی

خصوصی‌سازی در ظاهر عبارت است از فرایند انتقال وظایف و تأسیسات واحدی دولتی به واحدی خصوصی یا افزایش بیش از پنجاه درصد سهام مؤسسه‌ای دولتی به بخش خصوصی؛ اما در تعریفی عمومی‌تر خصوصی‌سازی عبارت است از انتقال و تفویض وظایف دولتی به نیروهای بازار. به تعبیر جدید مؤسسات بین‌المللی نیز

خصوصی‌سازی عبارت است از «مسئول کردن مردم در فعالیت‌های اقتصادی». برای خصوصی‌سازی می‌توان اهداف عمده ذیل را برشمرد: بهبود و ایجاد رونق اقتصادی در مؤسساتی که اکنون خصوصی شده‌اند، از میان برداشتن تنگناهای روابط میان دولت و مؤسسات ملی‌شده، افزایش درآمد دولت ناشی از فروش دارایی‌های دولتی به بخش خصوصی، خصوصی‌سازی وسیله‌ای برای تشویق بخش خصوصی به خرید سهام و تشکیل شرکت‌های سهامی و گسترش رقابت. به علاوه، کاهش اندازه بخش دولتی و افزایش کارایی، از اهداف مترتب بر خصوصی‌سازی است (اردشیری، ۱۳۸۵: ۳۵۲-۳۵۱).

در عصر حاضر بسیاری از دولت‌ها در رویارویی با افزایش دائمی هزینه‌های آموزش عالی، برای کاهش فشار این بار تحمیل شده بر بودجه عمومی و احتمالاً افزایش کارایی اجتماعی و اقتصادی آموزش عالی، رشد بخش خصوصی را تأیید و تشویق کرده‌اند و برای ایجاد بخش خصوصی منطبق بر شیوه‌های متداول در بازار، از جمله اخذ هزینه‌های تحصیلی و فروش کالا و خدمات گام برداشته‌اند. امروزه به دلیل مناسبات متعدد و به هم تنیده بخش دولتی و خصوصی در حوزه آموزش عالی، به سختی می‌توان گفت که دانشگاه‌هایی کاملاً خصوصی یا کاملاً دولتی وجود دارد. ممکن است مؤسساتی که از اعتبارات دولتی استفاده می‌کنند، دارای هیئت رئیسه یا هیئت امنای غیردولتی بوده یا مؤسساتی که از بخش خصوصی تأمین مالی می‌شوند، دارای مقررات و قوانین دولتی باشند. همچنین ممکن است دانشگاه‌های دولتی با برقراری شهریه و اخذ هزینه‌های آموزشی، موجب تشویق بازار آزاد عرضه و تقاضا شوند (اردشیری، ۱۳۸۶: ۳۵۵). توسعه دانشگاه آزاد اسلامی، گامی اساسی برای خصوصی‌سازی آموزش عالی ایران تلقی می‌شود؛ همچنین تقویت دانشگاه‌های غیرانتفاعی، علمی و کاربردی، شبانه و پیام نور از سوی وزارت علوم و اخذ شهریه، اقدامی به منظور کاهش هزینه‌های مالی دولت در بخش آموزش عالی است.

واگذاری واحدهای دولتی به بخش خصوصی و کاهش سوبسیدهای دولتی به این بخش‌ها می‌تواند آثار و پیامدهای اجتماعی و اقتصادی مختلفی داشته باشد. نوعی خصوصی‌سازی که در آن بخش خصوصی، دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها را تأسیس و اداره می‌کند و مداخله دولت در آن بسیار کم و محدود است و این

مؤسسات از نظر مالی مستقل هستند. این نوع از خصوصی سازی هنوز در کشور ما محقق نشده است. شکل دوم آن عبارت است از غیردولتی کردن مؤسسات آموزش عالی از طریق ایجاد دانشگاه‌ها و دانشکده‌های غیرانتفاعی. این نوع خصوصی سازی نیز از نظر مالی بر اخذ شهریه متکی است. تفاوت نوع دوم با نوع اول خصوصی سازی در این است که خصوصی سازی نوع دوم با اهداف غیرانتفاعی همراه است و دخالت دولت در آن در مقایسه با نوع اول خصوصی سازی آموزش عالی بیشتر است. مهم‌ترین دلیل به وجود آمدن خصوصی سازی آموزش عالی در کشور ما کمبود منابع مالی و تخصیص نامطلوب منابع و امکانات جامعه بوده است.

نتیجه‌گیری

امروزه دانشگاه‌ها در محیطی بسیار ویژه و استثنایی عمل می‌کنند که اصلی‌ترین ویژگی‌های آن عبارت است از: وابستگی‌های متقابل اقتصادی در سطح جهانی، دموکراسی سیاسی، اقتصاد بازار آزاد، مصرف‌گرایی، روش‌های جدید مدیریتی، موضوعات زیست‌محیطی جهانی، ارزش‌های چندفرهنگی جهانی و به هم پیوستگی‌های بین‌المللی از طریق فناوری‌های جدید اطلاعاتی که به‌ویژه از طریق اینترنت فراهم آمده است. دانشگاه‌ها که اصولاً ارائه‌کننده دانش هستند، در چنین محیط پیچیده‌ای دیگر نمی‌توانند منفعلانه و در خلأ فعالیت کنند، آنها تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های متقابلی دارند که اصلی‌ترین ویژگی آن گسترش ارتباطات است. به عبارت دیگر، مانند مراکز تجاری، آنها باید نقش‌های سنتی خود را رها کنند و به سمت فعالیت‌های فراملی حرکت کنند و تشکیل‌دهنده همکاری‌های جدید و ابتکاری، بین خود و همچنین بین مجامع دیگر باشند. نکته اساسی این است که روند جهانی شدن نه تنها متوقف نشده است، بلکه با سرعتی زیاد در حال پیشروی به سمت عرصه‌هایی نوین است. در این میان دانشگاه‌ها باید با شناخت دقیق فرصت‌ها از آن به نحو شایسته‌ای بهره‌برداری کنند.

به‌رغم بروز این فرصت‌های نوین و چالش‌های نو، بسیاری از کشورهای در حال توسعه و در حال گذار، همچنان با مشکل‌های نشئت‌گرفته از راه‌حل‌های نامناسب برای مسائلی عذاب‌آور دست به‌گریبان‌اند که نظام‌های آموزش عالی با

آنها روبه‌رو هستند. از جمله چالش‌های حل‌نشده آنها می‌توان ضرورت گسترش منافع آموزش عالی به گونه‌ای پایدار، از میان بردن نابرابری‌های دسترسی و نتایج (آموزش عالی)، مسائل کیفیت، تناسب آموزش و انعطاف‌ناپذیری ساختارهای اداری و مدیریتی نام برد.

با عنایت به تحولات یادشده، برنامه ریزی بلندمدت در عرصه آموزش عالی ایران، مستلزم درک درست و عمیقی از چشم‌انداز آموزش عالی ایران در بافت جهانی شدن است. فقدان منابع معتبر در رشته‌های مختلف علمی، و نبود ارتباطی صحیح و زاینده میان فضای آموزش عالی و دانشگاهی داخل کشور و فضای دانشگاهی بین‌المللی از جمله مشکلاتی است که سال‌هاست آموزش عالی درگیر آن است. از سوی دیگر نگاه انفعالی به متون تولیدشده از سوی فضای بین‌المللی دانشگاهی و پیروی کورکورانه از هر آنچه به اسم دانش ترجمه در اختیار علاقه‌مندان و پژوهشگران کشور گذاشته می‌شود، نیز بر این مشکلات افزوده است. کلام آخر اینکه با توجه به مباحث و مطالبی که در پژوهش حاضر شرح آن گذشت، به نظر می‌رسد تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان کشور، برای بهبود و ارتقای وضعیت آموزش عالی در عرصه کمی و کیفی، با در نظر گرفتن ملاحظات ذیل می‌توانند گام‌های اساسی و مهمی در این مسیر بردارند.

■ دانشجویان نه تنها باید دانش معاصر را فراگیرند، همچنین باید بدانند چگونه دانش خود را به روز نگاه دارند. فناوری‌های نوین که گردآوری دانش را ممکن می‌کند، باید از عوامل اصلی آموزشی دانشجویان باشد و برنامه‌های درسی باید طوری طراحی شود که دانشجویان چگونه یاد گرفتن را بیاموزند.

■ شخص اهمیت فزاینده‌ای می‌یابد و مؤسسه‌های آموزش عالی به مطالعات عمیق در رشته‌های خاص نیاز خواهند داشت؛ در عین حال که برای آموزش عمومی فرصت یادگیری اساسی و مادام‌العمر ایجاد می‌کنند، لازم است برای آموزش‌های تخصصی بعدی برنامه ارائه کنند.

■ تمایز سازمانی پاسخی منطقی به افزایش تخصص و اهمیت دانش است. در بسیاری از موارد، مؤسسه‌های جدید و نیز مؤسسه‌های بازسازی‌شده از طریق تمرکز بر مجموعه‌ای از اهداف دقیقاً تنظیم‌شده برای دانشجویان رشته‌ای خاص می‌توانند

بهترین خدمت را به منافع عمومی ارائه کنند.

■ اکنون دانش در سرتاسر جهان تولید می شود و همکاری فعال با دانشمندان کشورهای دیگر برای توسعه و نگهداری یک جامعه علمی پویا بسیار مهم است. بسیاری از علوم جدید، کالای عمومی بین المللی محسوب می شوند و منافع آنها فراتر از محدوده کشور تولیدکننده شان است. کشورهایی که اجازه جریان یافتن آزادانه اطلاعات را می دهند، بهره بیشتری از علوم خواهند برد.

■ چنین به نظر می رسد پیشرفت در فناوری ارتباطات سهم بسیار زیادی در کمک های علمی به توسعه علمی کشورها داشته است که تأکید بر این زمینه ها باعث سهم شدن جوامع بسیار زیادی در منافع حاصل از آنها می شود.

■ سرمایه گذاری برای ایجاد محیط یا اردوهای یادگیری به گونه ای که دانشجویان بیشتر مؤسسه ها، امکان دستیابی به منابع آموزشی را داشته باشند. معمولاً این مؤسسه ها نمی توانند رأساً این منابع آموزشی را فراهم کنند؛ نظیر دسترسی به اینترنت، کتابخانه ها و تجهیزات آزمایشگاهی.

■ ایجاد رقابت بین مؤسسات دولتی و خصوصی، بین مؤسسات خصوصی با یکدیگر و حتی بین مؤسسات دولتی فعال در عرصه آموزش عالی بر سر برخورداری از پاداش رشد یا کاهش ثبت نام دانشجویی، اعتبار و شهرت سازمانی، دانشکده ای، گروه علمی و نظایر اینها. *

کتابنامه

- اسکات، پیتر. ۱۳۸۷. *جهانی‌شدن آموزش عالی*، ترجمه رضا فاضلی، تهران: سروش.
- اسنایدمن، استوارت. ۱۳۸۳. *فناوری*، ترجمه حمیدرضا آراسته، در کتاب: *دایره المعارف آموزش عالی*، به اهتمام نادر قلی قورچیان و دیگران، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- امین اسماعیلی، حمید. ۱۳۸۳. *جهانی‌شدن و آموزش عالی*، در کتاب: *دایره‌المعارف آموزش عالی*، به اهتمام نادر قلی قورچیان و دیگران، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- برتون، گیل و میشل لامبرت. ۱۳۸۷. *جهانی‌شدن دانشگاه‌ها؛ سپهر نو و کنشگران نوین*، ترجمه حمید جاودانی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بگ، دیوید جی. ۱۳۸۹. *کانادا و ژاپن: آموزش عالی، جهانی‌شدن و رقابت پذیری بین‌المللی*، در کتاب: *دانشگاه و جهانی‌شدن*، ترجمه شروین مقیمی زنجانی و رضا باقری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- تیفین، جان و لالیتا راجاسینگام. ۱۳۸۹. *دانشگاه مجازی جهانی*، ترجمه مؤسسه خط ممتد اندیشه، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- جوسویسین، پالمیرا و ریمانتاس وایتکوس. ۱۳۸۹. *توسعه آموزش عالی برای جامعه دانش محور و اقتصادمحور*، در کتاب: *آموزش عالی و توسعه ملی دانشگاه‌ها و جوامع در حال گذار*، ترجمه رضا سیمبر، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خورشیدی، غلامحسین. ۱۳۸۳. *درآمدی بر اقتصاد آموزش عالی*، تهران: معاونت فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.
- دلانتی، جرارد. ۱۳۸۶. *دانش در چالش: دانشگاه در جامعه دانایی*، ترجمه علی بختیاری‌زاده، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ذاکر صالحی، غلامرضا. ۱۳۸۳. *دانشگاه ایرانی درآمدی بر جامعه‌شناسی آموزش عالی*، تهران: کویر.
- صباغیان، زهرا. ۱۳۸۸. *فرهنگ دانشگاهی یک چهارچوب پژوهشی*، در کتاب: *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی*، به اهتمام محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- عزیزی، نعمت‌الله. ۱۳۸۵. *آموزش عالی و اقتصاد یادگیرنده*، در کتاب: *رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی*، به اهتمام محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

عزیزی، نعمت‌الله. ۱۳۸۵. *درآمدی بر توسعه آموزش عالی در ایران با تأکید بر علوم انسانی*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

عمادزاده، مصطفی. ۱۳۸۸. *تأمین مالی آموزش عالی جایگاه دولت و بخش خصوصی*، در کتاب: رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی، به اهتمام محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

فاضلی، نعمت‌الله. ۱۳۸۷. *فرهنگ و دانشگاه*، تهران: ثالث.
فراستخواه، مقصود. ۱۳۸۲. *استقلال دانشگاهی و تحولات مفهومی آن*، تهران: گروه مطالعات تطبیقی و نوآوری، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

_____ ۱۳۸۸. *استقلال دانشگاهی، تحولات مفهومی و چالش‌های جهانی آن با مروری بر تاریخچه آن در ایران*، در کتاب: رویکردها و چشم اندازهای نو در آموزش عالی، به اهتمام محمد یمنی دوزی سرخابی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

_____ ۱۳۷۹. *بررسی مراحل تحول دانشگاه در ایران*، تهران: مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی.

_____ ۱۳۸۹. *دانشگاه و آموزش عالی منظرهای جهانی و مسئله‌های ایرانی*، تهران: نی.

مهرعلی زاده، یدالله. ۱۳۸۸. *دورنمای آینده مدیریت کیفیت در مؤسسات آموزش عالی در پرتو جهانی‌شدن*، در کتاب: رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی به اهتمام یمنی دوزی سرخابی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

وحدت، محمدعلی و محمدصالح اولیاء. ۱۳۸۳. *فناوری اطلاعات و آموزش عالی*، در کتاب: *دایره‌المعارف آموزش عالی*، به اهتمام نادر قلی قورچیان و دیگران، تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.

هیرش، ورنر زد و لوک‌تی وبر. ۱۳۸۰. *چالش‌های آموزش عالی در هزاره سوم*، ترجمه افراسیاب امیری، تهران: مرکز انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

یانگ، روی. ۱۳۸۹. *جهانی‌شدن و توسعه آموزش عالی: کاوشی منتقدانه*، در کتاب: *دانشگاه جهانی‌شدن*، ترجمه شروین مقیمی و رضا باقری، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

Altbach, Philip and Liz, Reisberg and Laura E. Rumbley (2009) *Trends in Global Higher Education: Tacking and Academic Revolution*, Paris, UNESCO

Callen, H (1998) *Internationalization in Europe* in P. Scott (ed) *The Globalization of Higher Education*, London: SRHE.

Delanty, G. (2001) *Challenging knowledge: The University in the Knowledge Society*, London: SRHE.

De wit, H. (2002) *Internationalization of Higher Education in the United States and Europe. A Historical Comparative and Conceptual*

Gibbs, Paul (2001) "Higher Education as a Market: a problem or solution?" In: *Studies in*

Higher Education. Volume 26. No 1: 85- 94.

Gladiex Lawrence (2000) "Global On- Line Learning: Hope of Hype?" *International Higher Education*, 18: 3-4.

Goldin, Claudia and Katz, Lawrence F (2008) *The Race Between Education and Technology*, Boston, Harvard University Press.

Green, A. (1997) *Education, Globalization and Nation State*, London: Macmillan.

Jones, Elspeth and Brown, Sally (2007) *Internationalising Higher Education*, New York: Routledge.

Kallen, D. (1991) *Academic Exchange in Europe towards a New Era of Cooperation*, in: the Open Door, Pan. European Academic Cooperation and Analysis and a Proposal, Bucharest: UNESCO.

Knight, J. (1997) *Asia Pacific countries in comparison to those in Europe and North America: Concluding Remarks in internationalization in Higher Education*, In: Asia Pacific countries. Knight, J. and De Wit, H (eds) Amsterdam: European Association for International Education.

_____and De Wit. H (1997) *Strategies for International of Higher Education: Historical and Conceptual Perspective*. In: De Wit (ed) *Internationalization of Higher Education A comparative study*. Amsterdam: European Association of International Education.

Scott, p. (ed) (1998) *The Globalization of Higher Education*, Buckingham: open university press.

Slaughter, N and L, leslie (1997) *Academic Capitalism: Politics. Policies and the Enter Preneurial University*. Baltimore: Johnsons Hopkins University Press.

World Bank (2002) *Constructing Knowledge Societies: New Challenges for Tertiary Education*, Washington, D. C, World Bank publication.